

قیمت ده افغانی



افراط گرایی



فکنید



مرکز قانون مندی مطبوعات و رسانه ها

فجیبه مرام جوابگو هستی

از طرف دیگر این صندوق جواز را از وزارت گرفته است و وزارت صاحب امتیاز و وردک مدیر مسئول است و شخص وزیر مسئولیت نگهداری پول های مان را دارد در حالی که در این شده است و او آخر توجه و عده های داده بودند کم و زیاد است و این را باید دانست که مسئول سرقت سرمایه گر نگاران به شخص وزیر و معین برمی گردد و نباید این دو بی تفاوت باشند، در غیر آن مادر مقابل وزارت دست به احتجاج در مقابل وزارت خواهد زد و دوستان ما باید بدانند که ما حتی از افغانی صندوق نخواهیم گذشت و اگر پول های صندوق دوباره باز نگردد و مشکلات کم نشود پیامد های ناگوار بی دوستان ما خواهد داشت و از همه مهمتر اینکه پست های دولتی در نزد ما امناتی است از طرف مردم و افراد دولتی نوکران مردم هستند و مردم هیچ ترسی از آنها ندارد و هیچ ستمی در مقابل آن مقاومت کرده نمائند

پس به هر قیمتی می شود تسهیلات و وام‌های رسمی را دوباره احیا نموده و در پی رشد و ارتقاء صندوق مالی باشید و اگر غرض از این فکر کنید مالی است بزرگ در حق خبرنگاران.

لطفاً به استفاده مالی نقیض و سوالات خبرنگاران مطابق قانون حق دسترسی به اطلاعات و طرز العمل صندوق در امور نظارت و نقیض باشد و باید دست به تبلیغات نزدیک که نقیض را اخراج کرده ادب زیر نقیض برای مدت معینی اتخاذ شده است و انصرافی مالی که شما بپوشید او را اخراج نماید. با صراحت و صداقت در میزان های گرد و در مقابل خبرنگاران پاسخ دهید پول های صندوق کجا شد و شما چه می کنید و اداره را اسلام سازی در صورت بی کفایتی استفاده می‌دانستون و صندوق را رشد و ترقی دهد و تسهیلات و مالی و در وزارت قفل نکند و سرنوشت همه ما بدست دودنفر وزارتتی است و وزارت

من بداند نکند.

نکردن گزارش مالی به این معناست که برپایه دلایل خبرنگاران دستبرد زده شده است.

اگر ریاست مالی صندوق فکری می‌کنند که این موضوع بنهائ می‌ماند و می‌توانند حق خبرنگاران را به جیب خود بزنند، اشتباه فکری می‌کنند و ما هنوز به واسطهٔ بی‌معینیت و دوسنان موضوع را به سرنوشتی ارجاع نکریم و نوسه‌ی بی‌سارونی مورد تریب ندانیم. به همین لحاظ از ریاست مالی و همکاران مالی و صندوق خواهشمندیم که گزارش مالی و صورت حساب های خارج خود را در تریب و به نقیض ارائه دهند تا مشکلات شود و مقاومت مسئولین مالی و معنای اختلاس تلقی می‌شود. ما می

دائیم که مشکلات زیادی در امور مالی و اداری می‌صورت گرفته است و از تمام تشکیلاتگران راسانه ما خواهی هم این مورد گزارش تهیه نمایند و هر روز نامه به راسانه به دیوید که گزارش می‌دهی صندوق را بگیرند تا مطمئن شویم.

از طرف دیگر دایر نشدن جلسات و کار نکردن در امور مجلس و جذب و تشکیلات تمام امور تشکیلاتی را به میز معاونیت آژانس باختر صندوق را قطع کرده است و این در حالی است که تشکیلاتگران خواهان رشد و توسعه این صندوق هستند.

با وجود اینکه هر حاضری های ریاست صندوق آصف و درک باعث از بین رفت تشکیلات و هنر رفتن پول های صندوق شده است و تکرار این اقدام چندین باره همان خانه اصلی خود رفت و صندوق می‌سرنوشت ماند و شورای عالی راسانه که مطابق طرز العمل باید نظارت داشته باشد هیچ نظارتی نکرده و هنوز هم سکوت اختیار نموده است.

مقتضیه صندوق را هم می دانند و وزارت هم کسی است که این صندوق را ایجاد کردند و در انتخابات اشترک می کردند و اینها را به افرادی برگزیده شد و صندوق ایجاد گردید و ما ابتدا اولویت داریم در حدود هفتاد نفر را جذب نماییم، ولی مستثانه این مقدار چند فقره عضویت های خود را دادند و جالب است که اینها در نشست کمیته در میان می نورد این و پول ما دارند از جیبهم مرام رییس نشأت ماند. ریاست این صندوق در تمام توپولیزها هم گفت که ما یک افتقاری را حساب می دهیم و ما به پشتیبان میبایست هزار دلار در صندوق ریاست ریاست مالی و ریاست اداری را مقابل ریاست تقنین حساب می خواد اما اینها می کنند و به گفته اینها

به‌ر‌پ‌ر‌خ‌ود، هم‌ح‌س‌ب‌ نم‌ی‌ د‌ن‌د‌ن‌ ا‌ی‌ن‌
م‌و‌ض‌وع‌ ر‌و‌ز‌ ب‌ر‌وز‌ م‌ش‌ک‌ل‌ د‌ا‌ر‌ت‌ر‌ ش‌ده‌
م‌ی‌ ر‌ود‌.
ب‌ر‌س‌ب‌ت‌ ا‌د‌ا‌ر‌ی‌ و‌ ب‌ر‌س‌ب‌ت‌ م‌ا‌لی‌ ف‌ک‌ر‌ ا‌ی‌ن‌
ک‌ن‌د‌ه‌ که‌ ا‌ی‌ن‌ پ‌ول‌ ش‌خ‌ص‌ی‌ ش‌ا‌ی‌ ق‌س‌م‌ و‌
ک‌س‌ی‌ ح‌ق‌ ت‌غ‌ث‌ش‌ ن‌د‌ا‌ر‌د‌ و‌ از‌ ه‌م‌ه‌
م‌ه‌م‌ت‌ر‌ ا‌ی‌ن‌که‌ ا‌ی‌ن‌ پ‌ول‌ را‌ ک‌م‌ی‌ ت‌و‌ا‌ن‌د‌ ب‌ر‌
ش‌ن‌گ‌ار‌ان‌ را‌ ح‌ل‌ س‌از‌د‌ و‌ م‌ا‌ ب‌ر‌ای‌ ا‌ی‌ن‌
ص‌ن‌و‌ق‌ را‌ ا‌ی‌ج‌ا‌د‌ ک‌ر‌د‌یم‌ که‌ م‌ش‌ک‌ل‌ات‌
ش‌ن‌گ‌ار‌ان‌ را‌ ح‌ل‌ س‌از‌یم‌.
چ‌ر‌گ‌ه‌ م‌قام‌ و‌ ز‌را‌ت‌ و‌ م‌ع‌ی‌ت‌ ن‌ش‌ر‌ات‌
س‌از‌ه‌ د‌ا‌ده‌ ب‌و‌ن‌د‌ که‌ ا‌ی‌ن‌ م‌ش‌ک‌ل‌ را‌ ح‌ل‌
و‌ ع‌د‌د‌ ا‌ی‌ن‌ م‌ا‌ج‌ب‌ ا‌ی‌ج‌اس‌ت‌ که‌ ش‌ک‌ا‌ی‌ت‌
ت‌غ‌ث‌ش‌ از‌ م‌ق‌ا‌م‌ م‌ع‌ی‌ت‌ ا‌خ‌ت‌ل‌اف‌ ش‌د‌ و‌
ر‌د‌ی‌ت‌ن‌ج‌ی‌ه‌ م‌ر‌ام‌ ر‌ی‌س‌ ن‌ش‌ر‌ات‌ ق‌ل‌ ش‌ده‌
ا‌س‌ت‌.

سوال اینجاست که تطبیق قانون حق دسترسی به اطلاعات بدست نشریات است و معینیت و ریاست نشریات باید این قانون را احترام کند و حتی به فرد خبرنگاران پاسخگو باشند و حتی به مردم ولی مقاومت ریاست مالی به ارائه

و شاعر دیگری گوان و خران را برتر از آدم های مردم از آرمی داند :
گوان و خران بار بار دار
به ز آدمیان مردم از آرمی
بلی همین برتری باعث شد که در حزب ما
اساس این شعر زیبا قرار گرفت .

بلی !
در حزب ما هر که خرترباشد
در رتبه و مقام برتر باشد
چهار است در حزب ما معنویت
خریت و خربت و خربت
در ضمن تعدادی برگشته گان و پیشیمان شده
گان وقتی به حزب رجوع کنند می گویند :
از آدم بودن پیشیمان گشته ایم
مرحمت فرموده ما را آخر کنید ؟

و ما بسی رنگ آنها را به طویله حیوانات
راهنمایی می کردیم و می خواستیم تمام
حیوانات جهان با هم در یک طویله با یک
هدف و مرام زیر یک چتری بنام حیوانات جمع
شوند و رهبری واحد داشته باشند .
این صدای اعتراض بود که همه ما از خود
نشان می دادیم و می دانستیم که دیگر در آدمیت
رنگ و بو و مزه نماند است و دیگر بشر دوا
گفتار نیک ، کردار نیک و پندار نیک و تقوی
لازم را ندارند .

بلی ! کتاب زنده باد حزب حیوانات با الهام
گرفتن متون ادبی قدیم و جدید مهابهارت ،
کلیله و دمنه و کتاب زن را بشناسید برای
مردان و زنان قابل قبول است و هر زنی با
خواندن آن صد هزار دشمنان نوش جان من و
هر مردی تقدیر و تشکر خویش را ز نار بنده می
نماید .

در مورد سگ و گاو و اسب و اساطیر جهان
تحقیقات گسترده نموده ام و مجموعه مقالات
من بیشتر در نشریات هراز ، پیام مازندران ،
نسیم دریا ، درچه ، اباختر و نشریات
دیگر ایران و تعداد زیادی از نشریات
در افغانستان به چاپ رسیده است .

گاه گاهی در طویله خبرنگاران درس
تاریخچه پنج هزار ساله طنز این وطن خراب
شده را می دهم و هنرهای حیوانات را با آنها زیبا
جلوه میدهم تا از آدمیت دور و بدانند گشته گان
بی جهت دنبال گاو خر نرفته اند .
بیشتر از پانزده جلد کتاب تا حالا چاپ شده است
سبک های داستانی عزیز نسین را از کودکی
می پسندیدم و گوسپندی که گرگ شد و کنگره
خران بیشتر از همه مورد پسند من قرار گرفته
است .

طنز های داستانی بزرگ چینی ، اعتراضات یک
گوسفند ، خرهای تدارکاتی ، خرنگاتی دار ،
موش خراب کار ، موش انتحاری ، مصاحبه
خبرنگار با یک مورچه ، شما آدم نمی شنید ،
تصمیم گنگره حیوانات بر تک قطبی بودن
جهان ، طویله خبرنگاران ، گوسفند قربانی ،
طنز های سیاسی من است که شما را متوجه
سیاست های غلط و سیاهکاری و سیاهی می
کند .

البته بعد از این آمده گی رفتن به دنیای دیگر را
می گیرم و معلوم نیست با تفنگ کدام حزب
این سفر براب آسان می شود .
گرچه چندین بار بخاطر همین حزب و همین
طویله و طنز های شیرین و تلخ مرا شاخ زده
اند و تا نزدیکی های باغ بهشت رفته ام اما
خوش طالع نبودم و چند روز دیگر هم خداوند
برایم اجازه فعالیت ها و کار های حزبی را داد
و هنوز زنده ام ، اما در انتظار شاخی و باغی
بهشت .

از رنگ سرخ و مرگ سرخ خوشم می آید و به
رنگ سیاه و زرد علاقه ندارم و امیدوارم
چون منصور علاج رنگ زردم را کسی نبیند
سید داود یعقوبی

مشهور به خروس کاکل زری
مسئول حزب حیوانات

به همین دلیل خلیفه راز و ملک شعراي منطقه
ما با لطافت و نازک خیالی در مورد زانگاه ما
چنین فرموده است :

توتیو توتیو
نان چپاتیو
ترکو در پینتیو
بخو رباطیو
پدرم بخاطر اینکه مثل خودش از رباط تا
بگرام پیاده به مکتب نرویم و فرزند ندان
بگرام

یک لندور دیگه هم تولد شد

دیگر منطقه نیز از این سهولت بهره مند شوند
اولین مکتب را پایه گذاری کرد که در چند
اتاق خروس ها و چند اتاق ماکیان ها درس
می خوانند ، خواهر و برادر بزرگترم در همین
مکتب ابتدایی (مکتب رباط) الف با را
یادگرفتند .



shutterstock

مشکلات ده و تفرقه های زبانی شد که تمام
خانواده های ما به شمول پدر کلامن سید یعقوب
و پدرش سید محمود تیرباران شدند و ما
دشمن دار شویم و همین مسایل باعث شد که ما
به کابل آمده و در چند کیلومتری باغ وحش
جای گزین شوم .

خوب ترین تفریح اوزمانا دیدار باغ وحش
بود و پدر خدایا بزم در هر ماه یکی دوبار ما
را به باغ وحش می برد و
حیوانات مختلف را می دیدیم که
کنار هم در اخوب و برادر و
دوستی مثل آدم زنده گی می
کردند .

این دیدو ادیها با چرخنده گان ،
خزنده گان و درنده گان باعث شد
که به حیوانات علاقه شدید پیدا کنم
و زمانی که به سن عقلی یعنی ۴۰
سالگی رسیدم تصمیم گرفتم حزب
حیوانات را پایه گذاری نمایم و
طویله بی ساختن تا در آن تمام
حیوانات در کنار هم در آرامش
خطر زنده گی کنند .

حزبی که در آن تفرقه زبانی ،
سمتی ، مذهبی نباشد و همه به
خاطر یک هدف مشترک زنده گی
و کار کنند .

البته باید اعتراف کنم که این
حزب چند هزار سال قبل تاسیس
شده بود و اگر باور ندارید در کتاب
های مهابهارت ، کلیله و دمنسیه ، رامایانا ،
منطق الطیر و حتی کتاب های چون قلعه
حیوانات جورج اورول را بخوانید تا پی به
حقیقت ببرید ، حتی سعدی شیرازی هم
افسوس می کرد که چرا خر نیست ؟
عیش عالم را همه خزان کردند
سعدیا کاش تو هم خربودی

هر بار مرا زیر لاق بزمی برد تا خوب
شیر نوش جان کنم د اوزمانا شیر خشک
موریناگا نبود و اگر کسی ما را بز یا گاو می
گفت خفه نمی شدیم و همین حالا اکثریت مردم
جهان شیر خشک گاو و حیوانات را می خورند
و به نوعی با حیوانات ارتباط خانوادگی
دارند و شاید شاخ به شاخ شدن انسان ها به
دلیل اینکه شیر آدم را نخورده اند باشد .
سیزده چهارده سال د وطن و سه چهار سال د

شوروی درس خواندم و زبان خرس های
قطبی را یاد گرفتم و نوزده بیست سال د ایران
مهاجر شدم تا از شاخ جنگی های هفت و هشت
در امان باشم و خدا ناخواسته کدام رهبر شاخ
دار شاخم نزنه ؟
مردم با شهامت منطقه ما رباط د او وقت ها

بنام
م
پینه
ی

اما هیچ کس خبر نداشت که تازه تولد یافته بچه
دختر با اینک است .
تا اینکه مادر کلان خدا بیامرز قمری گل ، مره
د بین همه آورد و با خوشحالی گفت " بچس
بچه " مثل اینکه بچه از نسل آدم و دختر نسل
دیو باشد ، همه با یک صدا گفتند مبارک
مبارک .

فرادی آنروز میرزا محمد اکبر در گوشم آذان
داد و به همین دلیل است که من مثل
میرزا صاحب قره به قصه گوی و طنز گوی
شدم .

در مراسم نام گذاری که تعدادی زیادی
از خوشاوندان و دوستان حضور داشتند
هر کدام یک نام را می گفتند و دیگری با
لیخند می گفت نی ، یکی به شوخی گفت که
نامشه " بانی که د قصه لندور تولد شده
، ماما قوس گفت که نامشه خروس کاکل
زری بانی و به همین دلیل است که
در طنز های نام مستعار خروس کاکل زری را
مانده ام تا روح ماما قوسم آرام شود و بداند
که دیگه آن چوچه خروس کوچک نیستم
و حالا در بین خروس ها نام و نشانی دارم ؟!

به همین دلیل خواستن برای من هم نام بانی و
نام به بدبخته مانند " سید داود " هم بود و
هموشد که به صاحب نام شدم ولی هیچ وقت
صاحب نشان نشدم و همطو پخلو باقی ماندم .
پدرم از دیوانگی سر دار محمد داود خوشش
می آمد و حتی در زمان ظاهر شاه می گفت :
خدا کند سر دارو می قدرت شود تا خاک
پاکستانه به توبه بکشد .

د ای وطن خراب شده د هیچ کس بی نام نیست
حتی د سه نام دارد ، یکی نام خانگی و یکی
نام کوچک و یکی نام اصلی ، د افغانستان مردم
عزیز ما بخاطر محبت زیادی که انسان و
انسانیت دارند نام های عجیب و غریبی برای
هموطنان و کوچکی ها می مانند مانند : غلام
شغال ، کریم موش ، حسن روبه ، زاهد پخلو
شغال ، صادق زندق ، رحیم سیاه ، شریف گاو ،
سخی دنگر ، حسین کور ، ابراهیم دله ،
ممتاز دیوس ، احمد چشته ، فاروق خبیث ،
جیلانی لوده و کامل چوب قسرت کده
مشهور است .

بعد از آنکه کمی صدام غور شد و پشت لب
سیاه کدم یکی مره گفت : " اغاصاحب " یکی
گفت : " یعقوبی " یکی هم " سید داود آغا " و
چند نفری هم از روی ناز به می می گن
جوانمرگی
مادرم شیرزاد نداشت ولی مادر کلامن



www.shutterstock.com · 184987502

این قوم در واقع با اجداد خود زنده گی می کنند،
انهارا همواره حی و حاضر می یابند و سعی در
محافظت از آنها دارند. هر جمعه برای این غذا به
گورستان می روند و غذایی که برای سالگرد تهیه
می شود پرهیزینه است و بر سر میز چیده می
بقیه در صفحه پنجم

در سطح معارف مرکز و ولایات از کمبود معلم مسلکی دارای تحصیلات عالی فغان مردم گوش آسمان را کر کرده اما هریری وزارت معارف از دوره های گذشته ای اکنون مصروف ایجاد ریاست ها و مشاورین و دور از معارف شان هستند. در این روز های آخر آگاهی حاصل شد که شخصی به عنوان مشاور وزیر معارف در ریاست معارف ولایت پروان با صلاحیت های زیاد که رئیس معارف بدون مشوره مشاور صاحب که اصلا از معارف و پرسوه ی تعلیمی در صدد آگاهی ندارد، کاری انجام داده نمی تواند، مقرر گردیده است.

جالب این است که اگر مشاور وزیر در یک ریاست همه کاره معارف باشد، پس رئیس معارف که به اساس قانون ازاد و منظوری رئیس جمهور تعیین گردیده، چه کاره است؟ چه وظیفه دارد؟

خلاصه اینکه در طی ده سال آخر ریاست ها وزارت معارف به اساس نیاز مندی های تعلیمی و تربیتی نه بلکه به اساس جابجایی فلاتی خان و فلاتی خان که اصلا به معارف و پرسوه ی تعلیمی و تربیتی بیگانه هستند، ایجاد گردیده و در گذشته ها وزارت معارف دو مشاورین در بخش تعلیمی و دیگری در بخش حقوقی که هر دو مشاور از جمله ی اشخاص مسلکی و سابقه دار معارف که بکست های معلمی، مسلکی، معنویت، مدیریت معارف و ریاست های معارف را با موفقیت کار کرده باشند، منجبت مشاور تعیین میگرددند. با وصف آنکه معینان، رؤسای مرکزی و ولایات تماماً مسلکی، منجرب و سابقه دار معارف بودند.

اکنون ۹۹ درصد هریری مرکز و ولایات روسای معارف غیر مسلکی هستند، مشاورین هم تماماً غیر مسلکی و بیگانه با معارف مقرر شده اند. ایجاب میکند که هریری دولت تشکیل وزارت معارف را توسط سابقه داران معارف و هیأت مختلط و باصلاحیت نه مصلحتی، به اساس نیاز مندی ها باز نگری نمایند.

نمی دانم که هریری دولت فساد را تنها و تنها رشوه گرفتن میدانند! یا نه سپردن کار به اهل آن هم فساد است؟

لطفاً هریری دولت یک بار بنظر اندازید که مکتب و شاگردان که هسته ی اساسی معارف را تشکیل میدهند در چه وضعیت اند؟ از کدام درسی قرار دارند و دفاتر وزیر، معینان و رؤسای بالاترین فرش و موپل و فرنیس مجهز می باشد در حالیکه اجیر تا وزیر در خدمت شاگرد و مکتب هستند و همه امتیاز را به همین منظور از دولت اخذ میدارند.

از زمان ایجاد معارف در کشوری اکنون برای اولین بار است که دولت جهت صرفه جویی، ماکولات آبی بهتر نبود که از امتیازات از حدیش و تجملات دفاتر و موتور های تعین و اضافی و زیر و روسای معارف کاسته و این عمل شرم آور "وضع سه ماهه ماکولات معلمین" در سال ۱۳۹۴ هـ.ش را روی دست نمی گرفتند.

حتی در دوره ی طالبان ماکولات معلمین در سه ماه زمستان پرداخت میشد.

لطفاً هریری محترم دولت به سایر مصارف فلت و بخصوص موتور های تعین و وزیران، مشاوران و وزارت محترم آقای شیرزی با معاش اضافه تر معاشات مشاورین و بخصوص رئیس دفتر وزیر صاحب مالیه قرار اطلاع با معاش ماهوار مبلغ دو صد هزار افغانی و مشاوران آن از سه صد هزار افغانی ماهوار که معاش جانب مشاور و رئیس دفتر وزیر صاحب مالیه با دیگر ضمایان آن به حدود شش صد هزار افغانی میشود که در حقیقت در یک ماه معادل است با معاش ۸۶ نفر معلم که این جانبان را تدریس نموده اند.

رهبری محترم دولت این چنین مصارف را در نظر گرفته و بعداً اقدام به وضع ماکولات سه ماهه معلمین این قشر انسان ساز میگرددند.

در آخر یک بار دیگر توجه رهبری محترم دولت را به معارف که در حقیقت روح جامعه را تشکیل میدهد و خود شان هم در همین معارف به کمال رسیده اند معطوف داشته و از امت ۱۴ سال به این طرف فقط سلیقه در وزارت معارف حاکمیت میکند، نه علمیت و تجربه ی مسلکی بنایی توجیهی به معارف را خیانت نا بخشودنی به نسل های آینده ی کشور میدانم.

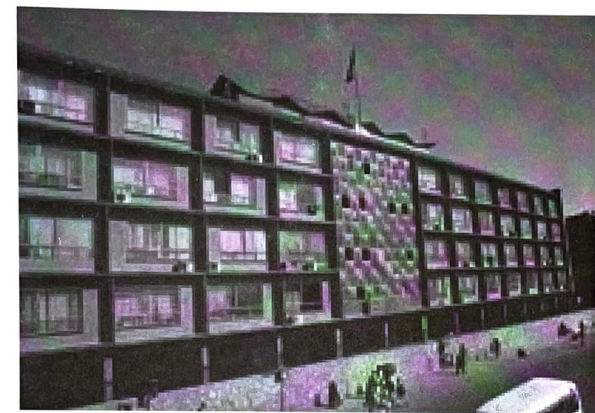
حتا استادان دانشگاه ها نه بخاطر امر احیای بلکه بخاطر زراندوزی و خفته و موتور های مفسدن، در چندین جاده کار میکنند و رسالت شان که تحقیق، مطالعه و تقدیم آن به نسل جوان است، فراموش شده و از بسکه مصروفیت شان زیاد است، محصلان نمی توانند با وصف تماس های مکرر تبلیغاتی، استاد خود را ملاقات و مشکل خویش را با آنها در جریان گذاشته و راه حل آن را دریافت نمایند که این در حقیقت خود را غلام سرمایه، ساختن است.

اکثراً استادان را ادارات دولتی با معاشات گزاف

با معارف کشور شوخی نکنید

انکشافی منجبت رئیس، معین و مشاور ایفای وظیفه می نمایند. آیا امکان دارد که یک رئیس در طول روز در یک اداره ی دولتی ایفای وظیفه می نماید که وقت برای مطالعه و تحقیق و آماده گی به در س را ندارد و با یک عالم خسته گی داخل صنف میشوند.

و ا به حال محصلین که منتظر تدریس همجواسندان



پول پرست هستند. در تحصیلات عالی خصوصاً از طرف استادان فحای بزرگ در حق محصلان صورت میگیرد که البته استثنا وجود دارد و تعصب لسانی و مذهبی در بی کیفیت ساختن معارف تحصیلات عالی، نقش بارز دارد. جفای بزرگ در حق محصلین و متعلمین همانا سیاسی شدن معارف و تحصیلات عالی میباشد. آناتیکه خود را از جمله ی بزرگان کشور میداند، متأسفانه دوره ی سیاسی نگریستن به این دونهاد انسان ساز که آینده ی جامعه متعلق به آنان است، جنایت بزرگ را مرتکب میشوند، زیرا فرزندان خودشان در خارج از کشور مصروف تعلیم و تحصیل اند، اما بیگانه با روح، روان، فرهنگ و کلتور مردم که کمتر موثرت را در جامعه دارند.

بنابیک از رسالت های انسانی، شناخت عقیق از دین و مذهب مردم و جامعه ی خود، تاریخ و جغرافیای وطن خود با سنت های پذیرفته شده ی آن می باشد که بدون این شناخت هیچگونه موثرت در جامعه نخواهد داشت.

کمتر کشوری در جهان است که دوره های جنگ و بحران را سپری نکرده باشد، اما به همت رهبران و دلسوز و فداکاران که توجه خاص به معارف و تحصیلات عالی مینوال داشته اند، نجات یافته و امروز قدرتمند ترین کشور در جهان علم و تکنولوژی معاصر اند.

وزارت معارف همین اکنون در رابطه به پیشبرد امور محوله خورده همانا تعلیم و تربیه سالم فرزندان این وطن است به مشکل جدی کمبومعلمین مسلکی و کثرت بیش از حد رؤسا و مشاوران غیر مسلکی و معلماست که ساختار هم تشکیل دهنده وزارت معارف را خراب ساخته است.

در حالیکه عنصر اساسی در پرسوه تعلیم و تربیه شاگرد، د لواز در دسی و معلم است اما بد بختانه

نرنتش به کار گاهی حریر بلی ا هر حریر باف بوریا باف نیست و هر بوریا باف حریر باف شده نمی تواند. پس انسان های با اندیشه و عقایت اندیش و وطن دوستی فرقی میان بوریا باف و حریر باف را درک نموده و هر کدام را غرض انجام کار بهتر به جای خوش می گردار.

یکی از سیاست های استعماری که بدون مداخله مستقیم میتواند یک کشور و یا یک جامعه را با همه دار و ندارش بر باد نماید، همین نسپردن کار به اهل است که توسط حکومت های ناکاره و یا

مزور صورت می گیرد.

فایر که نساچی را بدست اسلحه ساز و فایر که اسلحه ساز را بدست میسپارند که نتیجه آن در عین زمان سقوط هر نو فایر است.

بنای سیاست های استعماری که بار ها تجربه شده باید آموخت.

در اکثر ولایات کشور آموزگاران غیر مسلکی با اسناد خریداری شده از کشورهای همسایه مسئولیت آموزش و آینده سازی فرزندان این جامعه ی درد کشیده را بهوش دارند.

بیشترین مکتب ها در ولایات از کار های علمی و لابراتواری به دلیل نبود آموزگاران مسلکی، بخش محروم بوده و هیچ شناخت از لابراتوار و موجودات ذره بینی در عمل ندارند.

در اکثر مکتب و ولایات ملا ها و مولوی های جایی معلمین مسلکی را گرفته و به عوض معلم ریاضی، فزیک، کیمیا و غیره و حتی ریاست های معارف که از آن چیز ی نمی دانند، مقرر شده اند.

کتاب های که از سوی وزارت محترم معارف تازه تهیه و طبع گردیده، خیلی ارز شمند هستند، مگر بیشترین آموزگاران از تدریس آن سر در نمی آورند و آن را چنانی که شایسته است، نمی توانند تدریس بکنند.

برای تدریس این کتاب ها باید آموزگاران استفاده شوند که از دانشگاه ها فارغ شده اند و سند لسان دارند، چون آموزگاران خصوصی و یا آن های که تا صنف دوازده تحصیل دارند نه تنها نمی توانند این مضامین را تدریس کنند بل، این ها نه میتواند لوژی خوانده اند و نه روان شناسی و نه از اصول تدریس معاصر آگاهی دارند و هنوز هم این آموزگاران گرامسی از همان

صورت تدریس کهنه در عمل استفاده میکنند، از شیوه ی اشکار محوری در مکتب ها فقط یک نام استفاده می شود و شاگرد محوری در معارف مرکز و ولایات پوش خوب برای معلمین کم سویه و نالایق شده است که نه به معنای واقعی آن.

هرگونه تسماع، سهل انگاری و خاموشی در قبال معارف از جنایت بزرگ و نا بخشودنی دانسته و از وزارت معارف کشور از او مدینه که پای اوده و متحجر مغرضین را در قرن ۲۱ از بالای گرده های مردم فقیر ورد شد کثیده ی این جغرافیا برداشته و معارف را اثر سیاست های بدفرجام و رقابت های بوگرته ی قرون وسطایی بیرون بکنند. در غیر آن تباهی ملت ها در عصر حاضر از راه فساد و گندیدگی های سیاسی و رقابت های ناسالم تباه کن صورت میگیرد که نمونه اش را کم کم شاهد هستیم.

یعنی معارف فعلی که از نگاه کیفیت به صفر تقرب نموده است، زیرا معارف فعلی به کمبود معلمین مسلکی و متجرب و کثرت رئیس، معین و مشاوران غیر مسلکی، مواجه است.

اگر جوامع بشری را به جسم تشبیه نمایم معارف یقیناً حیثیت روح را در آن جسم دارد و اگر هر کشوری معارف های جهان را به معنای بویگری در پیشرفت و اعتبار جهانی آن معارف نقش اساسی را ایفا نموده است.

هیچ کشوری را در جهان سراغ نداریم که بدون داشتن معارف پیشرفته و مترقی دارای اعتبار اقتصادی، علمی، تکنیکی و سیاسی شده باشد.

پس معارف است که انسان های عالم، فاضل و رسالتد را به جامعه بشری تقدیم میکند و جوامع را از اشکال مختلف بربریت و زندگی حیوانی به زندگی انسانی مبدل می سازد.

پس معارف کشور را نباید به مسخره گرفت و هر ماشین کار کننده نیست و ماشین کار و نباید ماشین موترا را غرض ترمیم به نجار سپرد.

در همین رابطه شاعر زیبا یییا چگونه سپردن کار را به غیر اهل آن به تمثیل کرده است:

نهد هوشمند روشنی را به

به فرمایه کار های خفیر

بوریا باف اگر چه یافته است

از اوست های قققاز تا کافر های

افغانستان

شود نخست انتظار می کشند و سپس تناول می کنند و ماجن این ادبی را نزد اقوامی چون سلت ها داشتیم و این نیکسان می دهد که اوست ها باز مانده های از آریایی های ما باشند. (۱۱)

((گاو را مقدس می شمارند و اسب در زنده گی آنان مهم است)) در رابطه با سبک و شیوه ساحت محل سکونت باید توجه داشت که شکل اولیه و توسعه بعدی منازل اوستی ها کاملاً بستگی به تعداد زوج های خانواده دارد.

معمولاً در فصول مساعد جوانان بیرون از منازل و در مزارع می خرابند و در غیر آن در محلی در حیطه یا در طبل و لی هر منزل یک محل عمومی (طاق نشین) برای کل افراد خانواده دارد. در وسط اتاق اجاق و در سقف سوراخی برای خارج کردن دود تیر کوچک یا تخته که زنجیری بدان آویزان است (۱۲) و دسته دگی مسی در حلقه آن جا داده شده است.

آنها برای نشستن از نیمکت های چوبی استفاده می کنند و نیمکت های طرف راست اجاق آفتاب و طرف چپ مخصوص بانوان بود.

برای خوردن غذا یک یا یک بدور هم جمع نمی شوند و به دفعات دور میز گرد می آیند و این جا همچون حرم خانوادگی بود و برای عید منوع است که برای مهمانان اتاق پذیرایی جدا در نظر گرفته شده است.

۱: عنایت الله رضا- ایران و ترکان ص ۹۰-۹۱

۲: سکا ها یا سکاها اسکلیت یا سیت طایفه ای است از سکا ها و پارت ها که ریشه این کلمه را می توان در زبان روسی یافت.

۳: اماکا یا معنی سگ و این حیوان در آن زمان مقدس بود و قوم سکاها نام خود را از این حیوان وام گرفته اند.

ناگفته نماند که آریه های زردشتی مرده گان خود را از مقابل این حیوان مسجی گذراندند تا امریمن از جسم آنها فرار کند و به آن سگ دید می گفتند.

بهر صورت در کتیبه بیستون از سه قوم سکا ها یاد شده است. سکاها موراک- سکتیکر خود- سکتا در پی نا (سکا ها) مستقرب و هوم و سکاها دارای کلاهای تیز و سکا های آن سوی دریا (سیاه) یاد شده است.

(از آریانا تا افغانستان- نسخه چاپ نشده سید داوود یعقوبی)

۳: نام قبیله ای محلی ایر، دیگور، دیگور، نام روسی است، دیگور، دیگور، ایر-ولنی- محمد جواد مشکور- جغرافیای تاریخی ایران قدیم.

۴: مشکور همان ص ۲۳۷

Aborovski-M. Her Penz :Aryensz

۶: نویسنده اضافه می کند که قبل از رسیدن اوست ها تمام مردم جنوب روسیه مناطق خشک و بیزاره سکا ها به زبان آریایی سخن می گفتند.

۷: توالته می باشد که در آغاز ایشان روسی را پذیرفته بودند و ولی بلاخره آلبانی بر مبنای لاتین جایشان آن گردید.

۸: مروج الذهب- ص ۱۹۰

۹: رابوروفسکی ص ۲۵۳-۲۶۴

۱۰: همان ص ۲۶۵-۲۶۶

۱۱: همان ۲۹۹۵

در عکس های آنان رنگ سپید بیشتر در نظر می آید (در همین کتاب درباره سر نوشت گاو پس از در گذشتن او چنین می آید: ((چون گاو در گذشت از اندام های او پنجاه و پنج نوع یور تاک (غله) و دوازده نوع

اینکه در یکی از سایت های خارج از کشور نیز این مقاله را خواندم) کار شد و این موضوع (نقش گاو در اساطیر بشری) را که متشکل از قفسه های کتابخانه خلک می بود، پیشکش شما دستداران اسطوره های ما نمایم

حیوانات در اساطیر و باور های جهان

نقش گاو در اساطیر بشری

سید داوود یعقوبی

تخمه به روشنی ماه پاک و ویراسته شده نگاه نطفه نو گاو پیدا آمد، یکی نران دیگری ماده و پس از نر و دود و هشتاد و دو نوع به زمین (باننده) دو فرسنگ که دین هاسر گویند) فراز پیدا بودند.

گوسپندان در زمین ماندند و مرغان اندر هوا می اندر آب.

این نمیشد ستیز بود که گنامینو (اهریمن) با گاو کرد.

در گزیده های زاداسپرم نیز سر نوشت آن پس از مرگ آمده است.

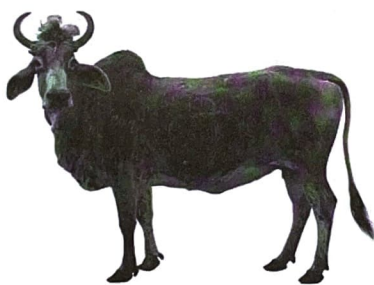
پس (امرداد) این روشنی و زور که از تخم گاو برگرفت به روشنی ماه برود می گوید (برای تو) مطابق دستور های راستی نه سرور و وجود دارد و نه داور و زیرا افریدگار ترا برای کسی افریده است که گارپایان را پرورش می دهد او که از طریق فرمائش نیکوکاران است (روان گاو می گوید) ((چه کسی را تودانی که بتواند به کمک اندیشه هوا را روشن کند برای

امیدوارم این برگ سبز کادویی باشد برای سبزی که زمانی اسبهدش و زامدارش (گویاره) بود و از ده گاو در اوستا به صورت گنو (تا حال در مازندران به همین شکل تلفظ میشود) آمده است.

در این کتاب برای هر دسته از حیوانات نام های خاصی بکار می رفت، مثلاً به چارپایان بزرگ مثل شتر، اسب و ... سستور و به چارپایان کوچک مثل بز، میش و انومیه یا فشیوپاسو (در زبان پشتو هنوز هم به گوسفند پسو گفته میشود) و گوسفند که امروزه برای میش بکار می رود و به معنسی گاو مقدس (گو = گاو) و سبند = مقدس) است در گذشتن برای گاو بکار می رفت.

گاو در اساطیر ایرانی ارزش خاصی داشت و هنوز هم در هند همان ارزش قبلی بهر خوردار است.

در فرگرد ۲۱ و دندیداد و نیز بهرام پشت به گاو مقدس درود فرستاده شده است.



سود مردمان از مادنون مراقبت کند.

در ضمن اعتقاد مردم ایران بر این بود که ((افریدون ۱۶ دیزگار ی سوار شد. شبی که گاو کشیده که اراده امده است ظهور نمود (گاو نورانی که شاهپاش از رز و قوامش از سیم است ساعتی اشکار میشود و ناپدید میگردد هر کس در ساعت ظهور در او نظر کند دعایش مستجاب می گردد و گویند در این شب بر کوه بزرگ صورت گاو سفید پدیدار شود و اگر محصول آن سال خوب باشد دویار نعره بر می آورد و اگر خشک سالی باشد یک بار نعره می کشد.

در داستان اسطوره ای تهمورث داستانی موسوم به سرستوس آمده است که از کشور گوینرث در خشان به شش کشور دیگر سفر کردند و از نوع پسر جرج باین و سیله کسی نمی توانست با آن شش اقلیم برود.

یعنی در میان اقواموس چنین اتفاق نیافتاده، که به باد آتشی را که بر پشت گاو روشن بود به باد افگند اما آتش هاسه موجود زنده در مکان سابق خود بر پشت گاو (مجدداً) رویداده و هوا را روشن کردند.

یم) یاما پادشاه افغانه ای هند و آریایی) که جانشین تهمورث بود بر فراز کوه خورومند در خورزم آتشکده بنا کرد و آتش فرنیع را در آن جای داد.

یکی دو دهه است که در مورد اساطیر کار های جدی صورت گرفته و اهمیت اسطوره هادر نزد بشر امروز بیشتر گردیده است.

ما متأسفانه در مورد اساطیر حیوانی کار های جدی صورت نگرفته است و امیدواریم بعد ازین در این مورد بیشتر کار شود.

اهمیت حیوانات و پرندگان را می توان در اساطیر آریایی و رومی بیشتر دید به خصوص نقش حیوانات چون، اسب، گاو، سگ، شیر (نماد قدرت و شهرتاری، خورشید، روشنی، کلمه الهی، عدالت، نهاد نیروی غریزی مهار نشده و غنای گیخته و ویرانگر و جانوران بالندرا - نشانه ی تصعید به ویژه تصعید غریزه ی جنسی و کمال عشق، نماد سرچشمه ی حیات، نفس یا جان)

بهر صورت مارد پای حیوانات را در همه اساطیر جهان می بینیم. خدای زئوس سوار بر ابرا به های زری و گاه در شکل گاو، ظهور رشتن و زرتشتی) یا شاخ زربین، طهر و رشتن به شکل اسب و گراز را نقاب حیوانات می توان بیانگر توت پرستی و ارتباط منطقی انسان گله دار دانست.

در دین مبین اسلام نیز نقش سگ با و فای اصحاب کف، گاو پرستی، در زمان غیابت (گاو زرین که صدایی از او شنیده می شد) حضرت موسی (ع) و شتر حضرت صالح (ع) را در اسلام می توان برجسته دید.

بهر صورت، چندی قبل مقاله خاتم فرشته ی



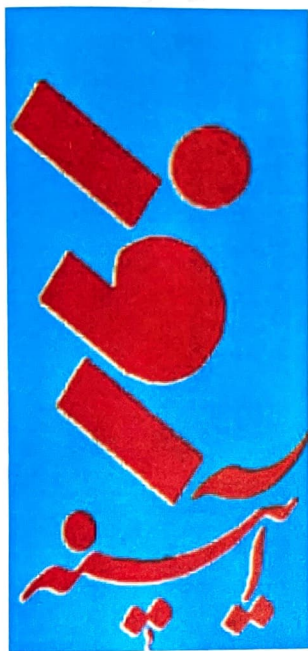
عده ای را در صفحه اول فصل یکم نامه علمی پژوهشی باختر (سال یکم شماره ی یکم دوم - بهمن و زمستان ۱۳۸۱) به نام (نقش گاو در اساطیر و باور های ایرانی) خواندم.

ابتدا فکر کردم این کار تقلیدی است، همان روز تلفن کردم به صاحب امتیاز و مدیر مسئول باختر (جناب مهدی امیری) و پرسیدم این کار شباهت زیادی به کار من دارد ولی ایشان گفتند که به اساس سفارش من این کار انجام گرفته و بنده را نتوانستند اسطوره گاو کار نکرده بود.

بهر صورت کار پژوهشی خاتم فرشته ی عده ای زحمت زیادی داشت و بی شک ایشان این رسالت را خوب به انجام رساندند و ای کاش مطالبی را که از مقاله من که سال ها قبل چاپ شده بود پاورقی می زدند و منبع اولی را ذکر می کردند.

در مورد (حیوانات در اساطیر و باور های جهان) باید گفت که هشتاد سال قبل انجام گرفت و بیش از پنجاه موضوع در مورد حیوانات و پرندگان به خصوص گاو - سگ - اسب در اساطیر جهان (از طریق نشریات مختلف قسمتهای آن به چاپ رسید و جالب

مدیر مسئول و صاحب امتیاز
 سید داوود یعقوبی
 تحت نظر هفت تحریر
 دبیران و طراحان: سید امید یعقوبی
 آدرس: کوچه قصابی ها، سینما
 بهارستان سرک پنجم
 دست راست خانه پنجم دست راست
 تعمیر تماس ۰۷۸۶۴۷۰۱۶۸
 Omid_yaqubi@yahoo.com



چگونه میتوان با خانواده در ترکیه با آرامش کامل زندگی کرد.

ترکیه در خاور با کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در جنوب خاوری با عراق و سوریه و در شمال باختری با بلغارستان و یونان از شمال به دریای سیاه و از باختر با نودریای کوچک مرمره و اژه و از جنوب باختر با دریای مدیترانه مرز آبی دارد.

ترکیه ۷۸۳۵۶۲ کیلومتر مربع مساحت دارد یک کشور کوهستانی و نسبتاً پرباری است شکل این کشور مستطیل است که از سوی خاور و باختر امتداد دارد.

این کشور با قرار گرفتن در یکی از حساس ترین مناطق جهان دارای موقعیت جغرافیایی راهبردی و بسیار خوبی است و گذرگاه جنوب باختر آسیا و اروپا به شمار می آید و کشورهای بسیاری ترانزیت خود را از این راه می نمایند هشتاد و یک ولایت دارد جزه و ولایت مرکز همه ولایت هایش به یک نام است.

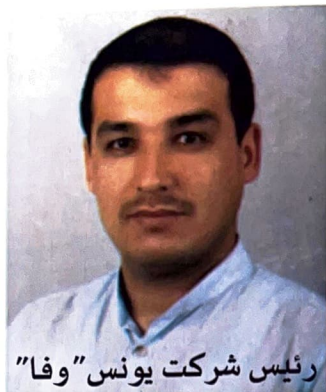
طبیعت زیبای و مراکز مختلف توریستی آن وصف ناپذیر است و زیبایی ها و جاذبه های زیادی دارد امکانات رفاهی خوبی دارد و از نظر پیشرفت و کار جایی مناسبی برای زنده گی است و اکثریت مردمش مسلمان و حنفی مذهب اند.

بر تاریخ باشکوه اش مسلمانان فخر می کنند اکنون اسلام گرایان در این کشور برنده انتخابات شده است.

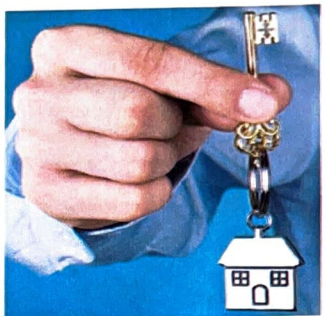
این کشور در سال ۲۰۱۳ قانون املاک خویش را برای خارجیان تصویب کرده است و تعداد زیادی را بسوی خویش کشانده و تعدادی از سرمایه گزاران افغان نیز برای اقامه و سرمایه گزاری به این کشور می روند و از امکانات خوب آن راضی به نظر می رسند.

شرکت راهنما از چهار سال به این سو فعالیت های خود را در بخش های مختلف ادامه می دهد و مورد استقبال تعداد زیادی از سرمایه گزاران، توریستان، شاگردان مکاتب دانشگاه ها و مردم افغانستان قرار گرفته است.

این شرکت در همه مسائل نه تنها افغان ها را راهنمایی می کند، بلکه سهولت های زیادی برای گرفتن ویزه های تجاری، سیاحتی، مریضی و اقامه در کشور ترکیه ایجاد کرده و توانسته است در ترکیه برای شاگردان مکاتب و محصلین زمینه تحصیل و برای کسانی که اقامت می کنند، امکانات خرید منازل و کرایه با فرش و ظرف و برای بیماران امکانات درمانی و برای تجاران در قسمت تجارت و راهنمایی و در قسمت توریستان زمینه سفر و خدمات ترجمانی در همه زمینه ها کمک و همکاری نماید. مشوره این شرکت در قسمت خرید و فروش و کرایه منازل با فرش و ظرف به شما کمک می کند تا اگر آن اقامت و بودباش در ترکیه نباشید.



رئیس شرکت یونس "وفا"



شرکت راهنما با اعتمادترین راهنمای

شما در ترکیه



شرکت راهنما

راهنمای شما در ترکیه



(+905325867774)

(+93797777728)

Yunusvefa@hotmail.com

Address: Yenidoğan Mah-50/7 SDK-Mandalya Sit
 NO:11/2 Zeytinburnu-Istanbul-Turkey

آدرس: شهر نو، خیابان راهی قلعه موسی، کابل افغانستان

SITE: www.rahnumaai.com



RAHNUMA
 REAL ESTATE & CONSULTING
 SERVICES LTD

شرکت راهنما همکار شما در تمام امور مورد ضرورت در ترکیه:

- ✓ خدمات خرید و فروش املاک
- ✓ خدمات تأسیس شرکت (LIMITED, ANONIM)
- ✓ خدمات اخذ هر نوع اقامت
- ✓ خدمات اخذ ویزه
- ✓ خدمات ترجمانی
- ✓ هر نوع ترجمه رسمی نقلی و کتبی استناد
- ✓ خدمات درمانی در مطبخخانه های مجهز
- ✓ خدمات توریستی در استانبول و دیگر شهرهای ترکیه
- ✓ خانه سازی با تمام وسایل روزانه، حفظ و اردو ماه و از
- ✓ خدمات حواله (انتقال پول از تمام شهرها)
- ✓ مشاوره در امور مالی و تحصیلی در مطاب و پوهنتون های خصوصی و دولتی